

# رنگ پرچم ما سرخ است!



## اعلامیه نشریه دانشجویی بذر به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

### ★ می دانید اول ماه مه چه روزی است؟

123 سال است که پرچمی به اهتزاز در آمده است؛ پرچمی به رنگ سرخ - رنگ انقلاب! 123 سال است که این پرچم در میدانهای نبرد طبقاتی دست بدست گشته؛ از عزم و آگاهی، تلاش و جانفشانی میلیونها میلیون انسان برای ساختن دنیایی نو بخود گرفته رنگ؛ گاهی در گرگ و میش صبحگاهی میدانی را بدور از چشم دشمن آراسته؛ زمانی بر بیابانیه یا دیواری نقش بسته؛ گاهی در خیابانها هدف گلوله های دشمن قرار گرفته؛ زمانی دیگر پیکر خونین کمونیست رزمنده ای را پوشانده، گاهی در پیروزیهای خیره کننده در میدانهای سرخ به اهتزاز در آمده و زمانی دیگر در شکستهای خونین بر خاک افتاده است. اما این پرچم پایدار مانده و امروز بدست ما رسیده است.

این پرچمی است که کارگران شیکاگو از دلاوران کمون پاریس به ارث برده و از طریق شورشگران قرن بیستم بدست ما رسانده اند. کارگرانی که در سال 1886 آمریکا را صحنه اعتصابات گسترده خود کرده بودند. طی آن سال هزاران هزار کارگر از ملیتهای مختلف هر هفته در گوشه و کنار کشور مشعل بدست با پرچمهای سرخ و با شعارهای «زنده باد انقلاب سوسیالیستی»، «سرنگون باد تخت و بارگاه و خزانه»، «کارگران مسلح شوید» به خیابان آمدند. کارگران حکومت بورژوازی را به لرزه درآورده بودند.

نقطه انفجار این جنبش، اول ماه مه بود. زمانی که پلیس با کارگران اعتصابی یکی از کارخانه ها در شیکاگو به زد و خورد پرداخت و دو کارگر را به قتل رساند، در سطح کشور هیجان انقلابی کارگران را در بر گرفت. نزدیک به 340 هزار کارگر به جنبش پیوسته بودند و 190 هزار نفر از آنها در اعتصاب بسر بردند. در شیکاگو 80 هزار کارگر به خیابانها ریختند. کارگران قهرمانانه به نبرد با پلیس پرداختند. پنج کارگر لهستانی و یک کارگر آلمانی به خاک افتادند.

سرانجام پلیس به صحنه سازی پرداخت و انفجار یگ بمب را بهانه قرار داد و تعرضی که از قبل طراحی کرده بود را به اجرا درآورد. زندانها مملو از هزاران انقلابی و اعتصابی گشت. عوامل بورژوازی رهبران جنبش اعتصابی را دستگیر و در همان ماه محاکمات آنان را آغاز کرد. سرانجام هفت تن از آنان را به مرگ محکوم کرد. جنبش بزرگی در سراسر جهان به دفاع از آنان برخاست. اما بورژوازی آمریکا بیرحمانه آن رهبران را به قتل رساند. مراسم تشییع جنازه رهبران جانباخته جنبش انقلابی کارگران با حضور نیم میلیون نفر برگزار شد. به خیابان آمدن نیم میلیون نفر تخم وحشت را در دل بورژوازی کاشت.

در سال 1889 کنگره انترناسیونال دو، مرکب از احزاب و سازمانهای کارگری جهان روز اول مه را به عنوان روز همبستگی جهانی طبقه کارگر برگزید.

از آن پس اول ماه مه به نماد انترناسیونالیسم پرولتاری؛ به نماد هم سرنوشتی رزم مشترک یک طبقه جهانی تبدیل شد. طبقه ای که با کارش ثروتهای یک جهان به هم بافته شده را تولید می کند. اول ماه مه به سمبل مبارزه همه ستمدیدگان برای جهانی عاری از ستم و استثمار، جهانی بدون مرز، بدون نژاد پرستی، بدون عظمت طلبی ملتی بر ملت دیگر، بدون تنگ نظری ناسیونالیستی این یا آن ملت، بدون جهل و خرافه و سلطه طلبی مرد بر زن بدل شد.

### ★ چرا اول ماه مه برای جنبش دانشجویی مهم است؟

اول ماه مه برای جنبش دانشجویی یادآور اتحاد با انقلابی ترین طبقه تاریخ است؛ تنها طبقه ای در تاریخ که رهایی اش با رهایی همه بشریت گره خورده است. همواره پیشروترین بخشهای جنبش دانشجویی در سراسر جهان سرنوشت خود را با این طبقه گره زدند و با رسالت تاریخی این طبقه همراه شدند. آنان برای تحقق اهداف نهایی این طبقه، علمی ترین و رادیکالترین تفکری که بشر تا کنون بخود دیده را برگزیدند و بر پرچم مارکسیسم بوسه زدند؛ از این طریق پرشورترین صحنه های مبارزاتی را خلق کردند.

پیوند با طبقه کارگر همواره یکی از تفاوت های عمده میان دانشجویان چپ و رادیکال با دانشجویان مدافع رفرمیسم بورژوازی بوده و هست. تاریخ جنبش دانشجویی در جهان و ایران شاهد نمونه های الهامبخشی در این زمینه است. نمونه هایی چون شورش ماه مه 68 در پاریس؛ نقش پر رنگ دانشجویان در اعتراضات توده ای در سال 1348 که به تظاهرات اتوبوس رانی تهران مشهور شد؛ لحظات پرشکوه انقلاب 60 - 57 که در آن دانشگاه به سنگر دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان تبدیل شد. در آندوره دانشجویان در اشغال کارخانه ها، در حمایت از کارگران اعتصابی و بیکار در گوشه و کنار کشور، در مصادره زمینها و آپارتمانهای متعلق به سرمایه داران و مالکان بزرگ نقش مهمی ایفا کردند. گرچه پیوند جنبش دانشجویی با جنبش کارگری توسط حاکمان اسلامی غرقه در خون شد اما سنتهای این پیوند همواره الهام بخش بود. با اوج گیری جنبش دانشجویی در سالهای اخیر بویژه شکوفایی بخش چپ آن، مبارزه طبقه کارگر در دانشگاهها دوباره پژواک یافت و مارکسیسم چراغ راه مبارزان زیادی شد.

اول ماه مه همواره فرصتی است تا پیوند میان جنبش دانشجویی و جنبش کارگری تازه شود. بدون این پیوند هشیارانه شانس تغییرات اساسی در جامعه ما بسیار محدود خواهد شد. جنبش دانشجویی به دلیل موقعیت عینی و ذهنی که داراست می تواند حلقه واسط میان جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی گردد و مبلغ پیگیر سیاستهای رادیکال در جامعه باشد.

### ★ اول ماه مه در چه شرایطی برگزار می شود؟

امسال در حالی به پیشواز اول ماه مه می رویم که بحرانی عمیق گریبان سرمایه داری جهانی را گرفته است. در یکسال گذشته بازارهای بورس روزانه سقوط کردند، بخش مهمی از بانکهای بزرگ دنیا ورشکست شدند، کارخانه های زیادی تعطیل شدند و بار دیگر پوسیدگی نظام سرمایه داری بر همگان عیان شد. گردانندگان این نظام مثل همیشه می خواهند بار این بحران را به دوش توده ها بيفکنند. می خواهند با اخراج میلیونی کارگران، تحمیل ریاضت کشی، تحمیل فقر و گرسنگی و فلاکت و بی ثباتی شغلی بر بخشهای بیشتری از مردم جهان و با ادامه و تحمیل

زده خود دهند تا بتوانند این دوره حساس را از نگیرد؛ بار دیگر سرمایه داران کارآمدتر و پرداخت.

در ایران نیز از میان اقشار گوناگون قربانی می روستاها در صف اول این قربانیان قرار دارند. پی در پی بنگاه های اقتصادی می شنوم نشان از طبل «جدابودن نظام اسلامی از این بحران» می اقتصاد وابسته ایران و نتایج مخرب آن برای می شود که در اثر بحران کنونی جمعیت حاشیه بخش اعظم جامعه به زیر خط فقر رانده شود.

منظور حفظ خود و خوش خدمتی به قدرت های مردمی می پردازد. در همین راستا، به ترویج افکار و سنت ها و رفتارهای مردسالارانه را در پرورش می دهد و تقویت می کند؛ می کوشد که دارد؛ می کوشد که راه اتحاد جنبش کارگری با



اتحاد آنان با کارگران مهاجر غیر ایرانی دامن می زند. گردانندگان جمهوری اسلامی به تبعیت از حاکمان جهان تلاش دارند که به مردم بباوراند که تنها راه حل، تغییر از درون همین نظام است نه از طریق در هم شکستن قطعی این ساختار کهنه و پوسیده که مدتها عمرش بسر رسیده است. این امر بخشی از وقت خریدن برای از سر گذراندن این بحران است. آنان با هزار ترفند و با همراهی نیروهای سازشکار ملی- مذهبی تلاش دارند که توهم تغییر از درون ساختار را در میان مردم دامن زنند. بازی های انتخاباتی بخشی از این ترفند است. انتخاباتی که پیشاپیش همه کاندیداهایش بر کندن چند باره پوست مردم تاکید کرده و سوگند یاد نمودند که همه فرامین اقتصادی اربابان خود را - مانند حذف سوبسیدها - به اجرا در آورند.

امسال در شرایطی روز جهانی کارگر را در ایران بزرگ می داریم که این نمایش فریبکارانه ارتجاع در پیش است. يك انتخابات فرمایشی دیگر برای به پای صندوق رای کشاندن مردم با هدف حفظ ارکان نظام. امسال اول ماه مه؛ جنبش دانشجویی در کنار جنبش کارگری و جنبش زنان و بقیه جنبش های اجتماعی، می تواند و باید ماهیت این نمایش حکومتی را افشا کند و فریاد تحریم انتخابات سر دهد.

### ★ امواج مقاومت در انتظار آگاهی و دورنمای کمونیستی!

علیرغم بگیر و ببندها و سرکوبگری عریان، ما شاهد رشد مبارزات کارگری در گوشه و کنار کشور هستیم. جویبارهای مبارزاتی پراکنده در گوشه و کنار کشور براه افتاده اند. جنبش دانشجویی باید فعالانه از مبارزات عادلانه کارگران و تلاشهایشان برای ایجاد تشکلات کارگری به هر شکلی که می تواند حمایت کند. اما واقعیت این است که این تمام وظیفه ما نیست که باید انجام شود. سؤال اساسی اینجاست که چرا این جویبارهای پراکنده مبارزاتی به سیلی بنیان برافکن بدل نمی شوند. پاسخ را نباید صرفا در دامن زدن بیشتر به مبارزات جاری و اشکال سازمان یافته تر آن جستجو کرد. مشکل اصلی این است که جنبش کمونیستی در موقعیتی ضعیف بسر می برد. بدون یک جنبش کمونیستی قوی، بدون یک جنبش سیاسی انقلابی قدرتمند ضد رژیم، مبارزات اقتصادی کارگران مانند تمامی مبارزات توده ای دیگر ره به جایی نخواهند برد. این واقعیتی است که باید آنرا مدام مد نظر داشته باشیم. بدون شک خفقان و دیکتاتوری و ضرباتی که بر جنبش ما وارد آمده - مانند ضربه 13 آذر ماه 1386 - مانعی در مقابل گسترش جنبش ما بوجود آورده اند اما این بزرگترین مانع نیست.

جنبش کمونیستی برای ایفای نقش تاریخساز خود نیاز به یک خانه تکانی جدی دارد. نیاز به آن دارد که به سؤالات اساسی که تا کنون پاسخ نگرفته، پاسخ دهد: اینکه چرا تلاشهای تعیین کننده کمونیستها در قرن بیستم برای تداوم جامعه سوسیالیستی با شکست روبرو شد؛ درسها و آموزه های ما از این تجارب مهم چیست؟ چگونه باید عمل کنیم که بتوانیم با اتکا به دستاوردها و نقد ضعفها و اشتباهات، جامعه ای انقلابی تر، پویاتر و پایدارتر از جوامع سوسیالیستی قرن بیستم داشته باشیم؟ اگر کمونیسم یک علم است، تجارب 160 ساله مبارزه طبقاتی در سطح جهان و ایران (و کلا پیشرفت دانش بشر در حیطه های گوناگون مانند آموزه های علمی، فلسفی و هنری) چه نقشی در تکامل این علم داشته است؟ کمونیستها بدون رویکرد علمی و برخورد نقادانه به مرحله تاریخی قبل نمی توانند به مرحله جدیدی که آغاز شده پا بگذارند و نقش پیشرو ایفا کنند. نیاز به درک علمی تر، عمیقتر، صحیحتر و همه جانبه تر و کاملتر از واقعیات 160 ساله گذشته و واقعیتهای مادی جهان کنونی است.

جنبش کمونیستی ایران بدون درگیر شدن در مباحث مهمی که در سطح جهان در این زمینه براه افتاده قادر به ایفای نقش خود نخواهد شد. بدون در دست گرفتن این حلقه کلیدی امکان ایجاد یک جنبش کمونیستی قوی میسر نیست.

جنبش دانشجویی - بویژه بخش چپ آن - می تواند در این زمینه مسئولیت مهمی بر عهده گیرد. همواره جنبش دانشجویی ایران نقش سرنوشت سازی در ارائه جهان بینی علمی و دورنمای انقلابی و گسترش جنبش کمونیستی در کل جامعه داشته است. این نقش و وظیفه است که باید فعالانه تر از هر دوره در دست گرفته شود. برخورد منتقدانه دانشجویان نسبت به همه امور جایگاه ویژه ای در این زمینه بدانها می بخشد. دانشجویان چپ می توانند نقش تعیین کننده ای در طرح سؤالات پایه ای و کلیدی در رابطه با تکامل علم کمونیسم در میان کارگران مبارز و پیشروان دیگر جنبشهای اجتماعی ایفا کنند. آنان می توانند به جوشش فکری خلاقانه ای در جامعه دامن زنند و از این طریق به اتحاد خود با جنبش کارگری باری رسانند.

اول ماه مه امسال می تواند بانگ آغازین این فرآیند تاریخی شود. فرآیندی که آینده جنبش کارگری، آینده همه جنبشهای اجتماعی و آینده کل جامعه ما و جهان بدان مرتبط است.

تنها از این طریق است که می توان پرچم سرخی که بدست ما داده شده را بر فراز قله های رفیعتری برافراشت و به ضرورتهای زمانه خود پاسخ داد.